خبرها

احضار آرمین به دادگاه

ایسنا: محسن آرمین نماینده سابق مجلس شورای اسلامی از سوی شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی به ریاست قاضی حسینیان احضار شد. وی در این باره گفت: در احضاریه‌ای که به دستم رسیده موارد اتهامی تبلیغ علیه نظام، تشویش اذهان عمومی، نشر اکاذیب و . . . عنوان شده است. وی افزود: من هنوز به دادگاه مراجعه نکرده‌ام ولی احتمال می دهم این احضاریه مربوط به یکی از پرونده‌هایی باشد که تاکنون راکد مانده و به آن رسیدگی نشده است. آرمین با بیان اینکه شاکی یکی از پرونده‌های مطروحه در این شعبه مدعی‌العموم است، گفت که این شکایت‌ها احتمالاً مربوط به سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و مقالات وی است.

صدور رای برای امیرانتظام

ایسنا: یوسف مولایی وکیل مدافع عباس امیرانتظام از صدور رای پرونده موکلش از سوی شعبه ۶ دادگاه انقلاب خبر داد. وی در این رابطه اظهار داشت: از طرف شعبه ۶ دادگاه انقلاب احضاریه‌ای دریافت کرده‌ایم که بر اساس آن اعلام شده رای پرونده عباس امیرانتظام به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق نشر اکاذیب صادر شده است و به همین علت باید جهت رویت و ابلاغ حکم به این شعبه مراجعه کنم.

حجاریان: کدورت‌ها در جبهه اصلاحات کاهش یافته است

ایسنا: سعید حجاریان عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی تاکید کرد که اصلاح طلبان در شرایط فعلی به سمت همگرایی حرکت می کنند، کدورت‌های گذشته کاهش پیدا کرده و وفاق حاصل شده است. حجاریان درباره ائتلاف اصلاح طلبان نیز گفت: «ائتلاف شاید لفظ دقیقی نباشد، اما توافقاتی بین آنها صورت گرفته است. اصلاح طلبان یکی از ویژگی هایشان این است که اشخاص موجهی هستند و عقلانی فکر می کنند، خود را با کسی انطباق نمی دهند اما همگرایی در بینشان وجود دارد، هم متحدند و هم منتقدند، اصلاً چشم‌بسته و کورکورانه اطاعت نمی کنند. البته درست است که قدرت سازمان‌دهی شان کم است و رابطه مریدی و مرادی با آقایان برقرار نمی کنند و مجبور می شوند هزینه آن را بپردازند، اما در درازمدت به نفعشان خواهد بود که مستقل بیندیشند و با استقلال خود وارد کنش جمعی شوند.» حجاریان سپس با اشاره به انتخابات خبرگان گفت: «عده‌ای از بزرگان معلوم نیست در انتخابات شرکت کنند، از جمله آقای خاتمی، موسوی خوئینی ها، نورمفیدی، طاهری، زرندی و . . . جوان‌ترها نیز ممکن است رد صلاحیت شوند. پس در این انتخابات احتمالاً رقابتی وجود ندارد و باید منتظر باشیم که در صورت تداوم این شرایط انتخابات خبرگان کمرنگ برگزار شود.»

تخریب دفتر انجمن اسلامی پلی‌تکنیک

گروه سیاسی: بنا به گزارش خبرنامه امیرکبیر، صبحگاه جمعه ششم مردادماه ساختمان انجمن اسلامی دانشجویان که در صحن این دانشگاه قرار داشت تخریب شد. مطابق این خبر، تخریب دفتر انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر با خراب کردن اتاق‌های کتابخانه و سمعی - بصری انجمن و پاره کردن عکس‌های مصدق، شریعتی و بازرگان از دیوارهای انجمن همراه بوده است. خبرنامه امیرکبیر همچنین مدعی شده است که اموال انجمن اسلامی و اعضای آن نیز در پی این تخریب به مکان نامعلومی منتقل شده است.

پزشکی قانونی: علت فوت محمدی یک ماه دیگر اعلام می‌شود

گروه سیاسی: مدیرکل روابط عمومی سازمان پزشکی قانونی کشور در گفت‌وگویی با ایلنا مدعی شد که جسد اکبر محمدی پس از کالبدشکافی به خانواده‌اش تحویل داده شد. وی گفته است که کالبدشکافی و انجام آزمایش‌ها برای بررسی علت فوت اکبر محمدی تمام و جسد وی صبح روز سه‌شنبه به خانواده‌اش تحویل داده شده است. به گفته میرهادی در گفت‌وگو با ایلنا نتایج آزمایش‌ها و علت فوت یک ماه دیگر اعلام خواهد شد. گفتنی است که به گزارش ایسنا کانون مدافعان حقوق بشر نیز با ابراز تاسف از این واقعه، ضرورت نظارت جدی نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی به ویژه کانون‌های وکلای دادگستری بر امور زندان‌ها به ویژه در مرحله تحقیقات و خصوصاً درباره زندانیان بیمار را مورد تاکید قرار داده و خواستار بررسی علت درگذشت اکبر محمدی از سوی پزشکان بی طرف شده است. همچنین وکیل مدافع منوچهر و مرحوم اکبر محمدی، طبرزدی و باطبی، پس از اینکه روز گذشته در زندان اوین حاضر شد وضعیت منوچهر محمدی و طبرزدی را نامطلوب خواند. با این حال سلیمانی مدیرکل زندان‌های استان تهران درباره گفته‌های وکیل مدافع محمدی، باطبی و طبرزدی به ایسنا گفت: هر سه زندانی در حال حاضر از نظر جسمانی در وضعیت مطلوبی به سر می برند و ادعای وکیل مدافع منوچهر محمدی مبنی بر شرایط روحی نامساعد او تنها به دلیل فوت برادرش اکبر محمدی است. وی با بیان اینکه بهرامیان فقط با منوچهر محمدی دیدار کرده است افزود: وی ملاقاتی با طبرزدی و باطبی نداشته و اظهار نظر او درباره اوضاع این زندانیان صحت ندارد. گفتنی است که بهرامیان وکیل محمدی همچنین گفت که به دلیل فوت نابهنگام اکبر محمدی به رئیس قوه قضائیه و دادسرای تهران شکایت خواهد کرد. در حاشیه این خبرها و به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان روز گذشته سهراب سلیمانی مدیرکل سازمان زندان‌های استان تهران نیز گفت: نمایندگان مجلس شورای اسلامی با حضور در بند ۳۰۵ زندانیان سیاسی، بدون حضور مسئولان سازمان زندان‌ها از نزدیک با زندانیان گفت‌وگو و با مشکلات آنها آشنا شدند. وی اضافه کرد: «همچنین نمایندگان مجلس در جریان این دیدار با مددجویان ازجمله زندانیان سیاسی بند۳۰۵ بدون حضور مسئولان زندان گفت‌وگو کردند که در این دیدارها هم هیچ شکایتی از سازمان زندان‌ها از سوی مددجویان مطرح نشد.» روز گذشته دفتر تحکیم وحدت، جبهه مشارکت و سازمان ادوار تحکیم نیز در اطلاعیه‌هایی از درگذشت محمدی ابراز تاسف کردند.

اطلاعیه مشارکت در محکومیت کشتار قانا

ایسنا: جبهه مشارکت ایران اسلامی در محکومیت کشتار مردم روستای قانا از سوی نظامیان رژیم صهیونیستی اطلاعیه‌ای صادر کرد. جبهه مشارکت ایران اسلامی در این اطلاعیه با محکوم کردن مکرر نسل کشی و اقدامات ضدبشری اشغال گران اسرائیلی، تاثر و اندوه خود را نسبت به مصیبت دیدگان این جنایت اعلام کرد.

مراسم مشروطه در تبریز

شرق: به مناسبت بزرگداشت یکصدمین سالگرد انقلاب مشروطه، همایشی توسط «خانه آذربایجان» در شهر تبریز برگزار می شود. بنابر گزارش واصله این مراسم روز دوشنبه ۱۶ مردادماه ۱۳۸۵ در مجتمع فرهنگی دکتر مبین و با اهتمام «خانه آذربایجان» و از ساعت ۵ بعدازظهر آغاز می شود. در این همایش که با سخنان رئیس هیات‌مدیره خانه آذربایجان دکتر سبحان‌اللهی شروع می شود رحیم رئیس‌نیا، تکمیل همایون، احمد محیط طباطبایی و محمدباقر بهشتی به ایراد سخنرانی خواهند پرداخت.

نامه دفتر هاشمی رفسنجانی به طلبه‌های حوزه‌های علمیه سراسر کشور

پاسخی به رنجنامه

عکس رویترز

گروه سیاسی: دفتر حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، در نامه‌ای خطاب به طلبه‌های حوزه‌های علمیه سراسر کشور به بیان مطالبی تحت عنوان «درد دل‌ها با آنان» پرداخت. به گزارش ایسنا، دفتر هاشمی‌رفسنجانی در این نامه که به امضای محسن هاشمی رسیده است به برخی از سئوالات درباره ولایت فقیه، شورای رهبری، شایعات مربوط به مسائل اقتصادی، برابری حقوق زن و مرد و مرکز تحقیقات استراتژیک پاسخ داده است. متن کامل این نامه به این شرح است:

...

مدتی است که شنیده می شود برخی از طلبه‌های جوان حوزه‌های علمیه در مورد برخی از سخنان و عملکردهای آیت‌الله هاشمی گله دارند و اخیراً نیز گلایه‌های آنان تحت عنوان «رنجنامه» در یکی از هفته‌نامه‌های تازه‌تاسیس شهرستانی منتشر شد. بر آن شدیم تا مثل دو سه سال پیش که با دانشجویان سخنی از سر صمیمیت گفتیم و نوشتیم، با اینان نیز درد دل کنیم. فرزندان جوان حوزه‌های علمیه و برادران عزیز طلبه! سئوالات شما را در آن نشریه دیدیم و خواندیم و متاسف شدیم. نه از این جهت که چرا سئوال می کنید، بلکه از این جهت که گلایه کرده‌اید چرا به سئوالات پاسخ نمی دهند. در صورتی که خود آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی چندی پیش در دیدار با جمعی از وعاظ و طلبه‌های حوزه‌های علمیه، از نبود نقادی‌های کارساز در حوزه‌ها گلایه کرد و گفت: «متاسفانه بعد از انقلاب گروهی با ایجاد فضای بسته در حوزه‌ها، جرأت نقد و ابراز نظر را از طلبه‌ها گرفته‌اند.» بعید است بدین زودی فراموش کرده باشید که چندی پیش در زیرزمین مدرسه فیضیه یک جلسه بسیار باز همراه با پرسش و پاسخ‌های بسیار داشتید. اتفاقاً در آن جلسه درباره خیلی از شبهاتی که در این به اصطلاح رنجنامه آمده، پاسخ داده بود. متاسفانه گویا بعضی‌ها تصمیم گرفته‌اند اصلاً جواب‌های ایشان، دفتر ایشان و دیگران را نشنوند و فقط بپرسند. تاسف بیشتر از این رنجنامه توضیحاتی بود که در حواشی سئوالات مطرح شده بود:

■ **الف - ولایت فقیه:** جای تاسف است که از این کلام امام(ره) برآشفته شده‌اید که ایشان مشروعیت را به مردم می دادند و برای توجیه این برآشفتگی، به سخنان آن پیر روشن‌ضمیر استناد کرده‌اید. به گواه تاریخ آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از سال ۱۳۳۲ با امام راحل(ره) همراه بود. خود ایشان در این باره می گوید: در نخستین سال‌های اقامت در قم، تقدیر این گونه برایم رقم خورد که در همسایگی ایشان باشم و علاوه بر کسب فیض از محضر ایشان در درس و جلسات، در مسیر از منزل تا کلاس و بالعکس نیز شرف همراهی با ایشان را داشته باشم و بسیاری از تفکرات زندگی من ملهم از گفتار و رفتار ایشان است. من به چشم خود می دیدم که ایشان برخلاف برخی از آقایان، در بیرونی قالی فرش می کنند و از همانجا فهمیدم که نباید در برخورد با مردم ریاکار بود. بعدها که مبارزات شروع شد، بارها از ایشان شنیدم که فقط باید به مردم اتکا کرد و حتی چندین بار که برخی افراد خواهان ترور بودند، ایشان موکداً بر مردم تاکید می کردند. پس گفتن این جمله که «هاشمی‌رفسنجانی از گفتار و کردار امام(ره) بی‌اطلاع هستند و یا از آن دوری می کنند» در روزگار ما که اطلاع‌رسانی به همه جا رسیده، طنزی متناقض است که «آفتاب آمد دلیل آفتاب» شاید در فضایی که هستید، نتوانستید اندیشه‌های هاشمی‌رفسنجانی را تحلیل کنید، ولی دسترسی به آثار امام(ره) آن قدر مشکل نبود که تورقی نفرمایید. واقعاً تا به حال آثار امام را ندیده‌اید و نخوانده‌اید که چقدر به مردم تکیه دارند؟! جهت مزید اطلاع، مواردی از سخنان امام(ره) را با هم مرور می کنیم.

۱- شما هم مسیر همین ملت را طی کنید و با ملت باشید، حساب خودتان را از ملت جدا نکنید. . . باید دنبال ملت باشید. باید هوادار ملت باشید. (صحیفه امام، جلد ۱۰، صص ۵۸ و ۵۹)

۲- خیال نکنند که این ملت نمی‌فهمد چیزی. نخیر، ملت بهتر از ماها می‌فهمد. (صحیفه امام، جلد ۱۰، ص ۳۲۲) آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بارها گفته‌اند که نباید برای ولی‌فقیه شخصیتی متافیزیکی متصور شد و بر این حرف خرده گرفته‌اید، اما به این سخنان امام بزرگوار(ره) توجه کنید:

۱- اسلام دین قانون است. پیغمبر هم خلاف قانون نمی‌توانست بکند. . . خدا به پیغمبر می گوید که اگر یک حرف خلافی بزنی، رگ و تینت (گردنت) [اشاره به آیات ۴۴ تا ۴۶ سوره الحاقه] را قطع می کنیم. حکم قانون است. غیر از قانون الهی کسی حکومت ندارد. برای هیچ کس حکومت نیست، نه فقیه و نه غیر فقیه، همه تحت قانون عمل می کنند. (صحیفه امام، جلد ۱۰، ص ۳۵۳)

۲- ولایت فقیه اثر مترقی بار است. . . یک نفر آدم که همه جهات اخلاقیش، دیانتش و ملی بودنش و علم و عملش ثابت است پیش ملت و خود ملت این را تعیین می کنند. (صحیفه امام، جلد ۱۰، صص ۵۲۶ - ۵۲۵)

۳- وقتی چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۴ در تعریف و تمجیدهای خویش از امام (ره)، ولایت فقیه را با ولایت پیغمبر (ص) و امامان معصوم برابر می‌دانستند، امام در پیامی درباره حدود اختیارات ولایت فقیه گفتند: «با تشکر وافر از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، چون گفتار آقایان پخش می‌شود و ممکن است سوءتفاهمی بین مردم حاصل شود، لازم است عرض کنم آیات و روایاتی وارد شده است که مخصوص به معصومین - علیهم‌السلام - است، و فقها و علمای بزرگ اسلامی هم در آنها شرکت ندارند، تا چه رسد به مثل اینجانب. هر چند فقهای جامع‌الشرایط از طرف معصومین، نیابت در تمام امور شرعی و سیاسی و اجتماعی دارند و تولی امور در غیبت کبرا موکول به آنان است، لکن این امر غیرولایت کبرا است که مخصوص به معصوم است. تقاضای اینجانب آن است که در صحبت‌هایی که می‌شود و پخش می‌گردد ابهامی نباشد، و مرزها از هم جدا باشد.» (صحیفه امام، جلد ۱۹، ص ۴۰۳)

■ **ب - شورای رهبری:** اولاً آنچه را که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از مدت‌ها پیش و برای اولین بار در جمع علما، فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد و بعدها در حوزه علمیه قم مطرح کرد، شورای فتوا بود و نه شورای رهبری. ثانیاً چون این موضوع را به شکل وارونه و از طریق رنجنامه در نشریات منتشر کردید، باید توضیح داد تا شبهه‌هایی که در اذهان شما ایجاد شده، فراگیرتر نشود: از کجا چنین برداشت اشتباهی برای شما ایجاد شده که تاکید بر شورای رهبری، در جهت تضعیف رهبری است؟ کاش یک بار از سر تامل مصاحبه مفصل ایشان با روزنامه کیهان را می‌خواندید که در آنجا روند مباحث رهبری فردی و شورایی در مجلس خبرگان رهبری توضیح داده شده که در جلسات خبرگان، آن هم در روزگاری که جامعه در تب فقدان امام امت خویش می‌سوخت، آیت‌الله خامنه‌ای در مقابل کسانی که بر رهبری فردی تاکید می‌کردند، از شورای رهبری حمایت کردند و خوب‌تر این است که بدانید وقتی قرار بر این شد که شورای رهبری متشکل از سه نفر باشد، آیت‌الله خامنه‌ای مصرانه از حضور در شورا خودداری می‌کردند و در همان جلسه وقتی گروهی شورای متشکل از پنج نفر یعنی آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله موسوی اردبیلی، آیت‌الله خامنه‌ای، مرحوم حاج احمدآقا و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را مطرح کردند، آقای هاشمی هم عدم موافقت خویش را اعلام کردند. در رای‌گیری، ابتدا رهبری فردی رای آورد و پس از آن آیت‌الله خامنه‌ای انتخاب شدند. غیر از این، امام راحل که رهبری بی‌بدیل در همه اعصار اسلامی بعد از غیبت هستند، نه تنها مانند شما از این لفظ برآشفته نمی‌شدند، بلکه در هر پیامی که به خبرگان می‌دادند، عبارت «رهبر یا شورای رهبری» را یکجا به کار می‌بردند. (صحیفه امام، جلد ۱۸، صفحات ۳۰۶ و ۱۹) اصولاً خبرگان اول بودند که شورای رهبری را در قانون اساسی گنجاندند و علما و مراجع قم و نیز شخص امام آن را تایید کردند. گرچه امام راحل در اواخر عمرشان فرموده‌اند که رهبری فردی را بر شورا ترجیح می‌دهم.

■ **ج - شایعات مربوط به مسائل اقتصادی:** سابقه اوج این تهمت‌ها به دو سال اول پیروزی انقلاب برمی‌گردد. گروهک‌های ضدانقلاب که آقای هاشمی‌رفسنجانی را سد راه خودشان می‌دیدند، متوسل به این تهمت شدند و به هریک از افراد موثر خط امام تهمت‌هایی زدند و برای آقای هاشمی این تهمت را انتخاب کردند. اوایل پیروزی انقلاب که آقای هاشمی‌رفسنجانی به تبریز رفته بود، در دانشگاه پلاکاردهایی با مضامین «هاشمی با فلان مقدار سرمایه آمده» نصب کرده بودند. ریشه این تفکر به سال‌ها قبل از انقلاب برمی‌گردد که کمک‌هایی به مبارزین انقلاب، از طریق ایشان تقسیم می‌شد و پس از مشخص شدن انحراف منافقین، کمک‌ها را قطع کرد و آنها که شروع به شایعه‌پراکنی کردند، آنقدر موفق شدند که نیروهای متدین هم به‌رغم پاسخ‌های مکرر و حتی اعلام رسمی رئیس قوه قضائیه وقت، آیت‌الله یزدی، همچنان آن حرف‌ها را می‌زنند. خود آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی درباره زندگی خانوادگی و فرزندان می‌گوید: «پدر من در روستایی که زندگی می‌کردیم، کشاورز بود و زندگی نسبتاً معمولی‌ای داشت. من همین رویه را حفظ کردم. هرچه هزینه من بیشتر می‌شد، کاسبی و کار می‌کردم که بتوانم کفاف و عفاف داشته باشم. تفاوتی با بعضی از طلبه‌ها داشتم و آن اینکه، من با ریا، تظاهر و زهدفروشی ذاتاً مخالف و متنفر هستم. آنچه را که هستم، نشان می‌دهم.» بعضی‌ها را می‌شناسم که آنچه را که واقعیتشان هست، نشان نمی‌دهند. زهدفروشی را بد و گناه می‌دانم و آن را اسلامی نمی‌دانم. آنچه که هستم، شفاف است. قبل از انقلاب این گونه نبود که دستمان باز باشد، اواخر که ممنوع‌المنبر شدم، کاسبی می‌کردم و در کار زمین و ساختمان بودم و با درآمدی که کسب می‌کردم، وضع بهتری داشتم. ولی زندگی من همان بود. تغییری در زندگی ندادم. امروز بعد از اینکه ۲۷ سال از انقلاب اسلامی گذشته و سه دوره رئیس مجلس و دو دوره رئیس‌جمهور بودم، برخی به غلط تصور می‌کنند، دست من در همه کشور باز است، ولی زندگی شخصی و خانوادگی من در همان سطحی است که از قم شروع کردم و می‌خواستم داشته باشم. زمانی نتوانستم و زمانی هم که توانستم، همان سطح را حفظ کردم. با اسراف و تبذیر به همان نسبت مخالف هستم و گناه می‌دانم که با زهدفروشی و ریاکاری، نعمت‌های خداوند را در حد نیاز دارم و اهل ریاضت هم نیستم. البته باید بگویم قبل از انقلاب اسلامی و دوران مبارزات، مقداری زمین با قیمت متری یک یا دو تومان در بیرون شهر قم خریدم. اینها را کم‌کم خیابان‌بندی کردم و بعد گران‌تر شد و یک مقدار را فروختم و آن را آباد کردم. چند سال هم در زندان بودم و اینها یک مقدار مصرف شد. وقتی که از زندان آزاد شدم، مقداری را مجانی به طلبه‌های نیازمند دادم. عده زیادی از طلبه‌ها از این زمین‌ها گرفتند. به هر فرزندم پنج قطعه دویست یا سیصد متری دادم که برای خودشان استفاده کنند. بچه‌ها هم کم‌کم فروختند و هزینه زندگی و ساخت منزل کردند. ولی سطح معاش را نگه داشتیم. شاید درباره زهدفروشی که گفتم، مصداق بخواهید، ولی نمی‌خواهم روی افراد حرف بزنم. سطح زندگی امثال ما تقریباً مثل هم بود. دوستانی که با هم مبارزه می‌کردیم، خانه‌ها، رفت و آمدها، لباس و هرچه داشتیم، شبیه هم بود. زهدفروش به آنهایی می‌گویم که امکانات دارند و مخفی می‌کنند و خودشان می‌توانند در سطح متوسط حضور داشته باشند و از لحاظ تظاهر اینها را در سطح پایین نشان می‌دهند. من اینها را قبول ندارم و می‌گویم اینها زهدفروشی است. به قصد اینکه خودشان را به گونه دیگری نشان بدهند، امکانات خود را به قول شما پنهان می‌کنند. حالا بعضی‌ها ندارند و اگر نداشته باشند، دیگر زهدفروشی نیست و بعضی‌ها نمی‌خواهند داشته باشند که آن زهد است و نه زهدفروشی. به هر حال زندگی شخصی مرا آنهایی که می‌بینند، می‌دانند و آن روز که انقلاب شد، در خانه‌ای در دزاشیب بودم که حدود هشتصد متر بود. الان در یک خانه اجاره‌ای زندگی می‌کنم که خیلی کمتر از آن است. امکانات همان‌هایی است که آن موقع بود. آن موقع به‌خاطر اینکه ۵ بچه داشتیم و من هم معمولاً در زندان بودم، خدمتکار داشتیم. الان همسرم کارهای خانگی را خودش انجام می‌دهد. البته من هم می‌پسندم که این گونه باشد. اینها از تنگدستی نیست. خیلی از خانم‌ها با شرایط زندگی خوب هم چنین کارهایی می‌کنند. فکر می‌کنم شیوه اسلامی این است. طبق قانون اساسی، رئیس‌جمهور وقتی شروع به کار می‌کند و وقتی دوره‌اش به اتمام می‌رسد، باید لیست دارایی‌های خود، فرزندان و همسرش را به قوه قضائیه بدهد. من همین کار را در هر دو دوره کردم. آیت‌الله یزدی آخرین بار بررسی کردند و دیدند کم شده است. رسماً هم اعلان کردند. در مورد فرزندانم هم بگویم که هیچ یک از بچه‌های ما کار اقتصادی به آن معنا، جز ادامه کشاورزی ندارند. همان کشاورزی‌ای که ما در قم و رفسنجان داشتیم و با زمین‌ها کار می‌کنند. بخشی از زندگی را از آنجا و بخشی را هم از حقوق خودشان اداره می‌کنند. فائزه که مدتی نماینده مردم تهران در مجلس بود، مدت‌ها مسئول ورزش بانوان کشور بود و نباید با ورزش کردن بانوان مخالف باشید. فاطمه هم سال‌ها مسئول بنیاد رسیدگی به امور بیماری‌های خاص است و هیچکدام حقوقی نمی‌گرفتند و نمی‌گیرند. تمام وقت کار می‌کنند. یاسر در مرکز تحقیقات استراتژیک به من کمک می‌کند. مهدی در جوانی با جهاد کار می‌کرد و برایش جاذبه داشت. مدتی در سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت بود و در حال حاضر مسئول دفتر من در هیات امنای دانشگاه آزاد اسلامی است. او قبلاً کار بسیار مهمی را شروع کرده بود که جزء افتخارات ایشان می‌دانم. تکنولوژی این سکوهایی را که می‌بینید در دریا نصب می‌شود، دیگران اصلاً قبول نداشتند که این کار را می‌توان کرد. الآن سکوهای هفت هزار تنی می‌سازند. تکنولوژی لوله زیر دریا را او آورد. محسن هم در زمان دفاع مقدس به دلیل نیاز کشور مقطع دکترای خود را در کانادا نیمه‌کاره رها کرد و در صنایع موشکی سپاه مشغول به کار شد و اکنون مدیرعامل مترو است. پسران من همه به جبهه رفتند. همین مهدی مجروح شیمیایی است و یاسر مدت‌ها در جبهه چوپان مصطفی در خط مقدم بود. قبلاً هم گفتم کسانی که می‌خواهند بیشتر تحقیق کنند، می‌توانند پرونده‌هایشان را از فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) و لشکر ۱۰ سیدالشهدا بپرسند. شایعه می‌کنند که مثلاً در کیش یا فلان‌جا، فلان برج متعلق به ماست و یا شما ادعا کرده‌اید خانواده هاشمی در مجموعه صنایع خودروسازی، بانک پارسیان، بنیاد مولی‌الموحدین، شرکت خودروسازی دوو و . . . نفوذ دارند و در پشت این قضایا هستند. حتی می‌گویند بر مناطق آزاد سیطره دارند. بنده ضمن تکذیب چنین شایعاتی که ریشه آن را عوامل ضدانقلاب و منافقین می‌دانم، همان‌گونه که یک‌بار در جمع طلاب عزیز در شهر مقدس قم اعلام کردم، برای چندمین‌بار اعلام می‌کنم هر کس مدرکی برای اثبات این ادعاها و یا هر جای دیگر دارد، ارائه کند، آن را به خود او خواهیم بخشید و برای خودش بردارد.» البته جان کلام را هاشمی‌رفسنجانی در مناسبتی اینگونه گفته بود که «از شهید بهشتی پرسیدم: با این همه تهمت‌ها چه می‌کنی؟ گفت: آسیاب به نوبت.» حالا کار به جایی رسیده که در هفته‌نامه‌ای دیگر می‌نویسند: «هاشمی از منافقین حمایت می‌کرد!!» اگر این گونه پیش برود، پیش‌بینی دکتر بهشتی تکمیل می‌شود. البته در این تهمت‌ها و شایعات درباره آقای هاشمی‌رفسنجانی، مسئولان سازمان‌ها و یا مراکزی که منسوب به هاشمی‌رفسنجانی نیستند، مقصرند.

چرا یک بار شرکت هواپیمایی ماهان، بانک پارسیان، بنیاد مولی‌الموحدین، کرمان خودرو و . . . با مردم شفاف صحبت نمی‌کنند که چیستند و سهامداران آنها کیستند؟ اگرچه خیلی دیر شده، اما به مصداق مثل معروف «ماهی را هر وقت از آب بگیرید، تازه است» خوب است که این موسسات مالی و تولیدی، ذره‌ای از نقدینگی خود را صرف شفاف‌سازی و نشان دادن وضعیت مالکیت خویش به مردم نمایند.

طلبه‌های عزیز! بیایید خطاب شبنامه‌های خویش را عوض کنید. یک‌بار به سازمان بازرسی کل کشور و نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌های مربوطه بنویسید که چرا در بیان سرمایه‌های خاندان هاشمی کوتاهی می‌کنید؟ شاید از این طریق آنان را قانع کنید که یافته‌های خویش را در بارها بازرسی از سرمایه‌های هاشمی و خانواده ایشان حداقل برای یک‌بار هم که شده بگویند؟ مطمئناً عدم اعلام نتایج بازرسی‌های مکرر توسط این سازمان‌ها در ایجاد چنین ذهنیت‌های اشتباهی بی‌تاثیر نبوده است. طلبه‌های جوان و آینده‌سازان حوزه دین و فرهنگ: بگذارید صریح بگوییم که در پیش و پس مسیر تفکرات شما، تارهایی از افراط و تفریط تنیده‌اند و می‌خواهند جریان معتدل جامعه را که نماد و مصداق اتم آن «آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی» است، مشوه و بد جلوه دهند. به این تناقض آشکار توجه کنید تا متوجه عمق توطئه شیطنت‌آمیز خط افراط و تفریط شوید.

۱- مخالفان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌گویند: هاشمی‌رفسنجانی نمی‌گذاشت جنگ تمام شود تا این همه خسارات مادی و معنوی به کشور وارد نشود.

۲- مخالفان پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌گویند هاشمی‌رفسنجانی بود که جنگ را تمام کرد و در باغ شهادت را به روی مشتاقان بی‌شمار بست.

■ **ح - برابری حقوق زن و مرد:** به تلخی‌های انتخابات نهم ریاست‌جمهوری اشاره کردید و گفتید ارزش‌ها و آرمان‌های نظام اسلامی به حراج رفت. اتفاقاً در این زمینه «جانا سخن از زبان ما می‌گوید» چه کسانی بر ارزش‌های انقلاب اسلامی در مصاحبه‌های زنده تلویزیونی چوب حراج می‌زدند؟ چه کسانی برای تبلیغات نداشته‌های خویش مجبور بودند به تخریب ۱۶ سال عملکرد نظام اسلامی بپردازند؟ آن را بهانه کردید و تفاوت دیه زن و مرد را پیش کشیدید و گفتید: «چرا هاشمی‌رفسنجانی گفت باید قانون مدنی که ده‌ها سال پیش نوشته شده، بررسی و اصلاح شود؟» جای تعجب است که شما تفاوت قانون شرعی و مدنی را نمی‌دانید. قانون مدنی ایران سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی نوشته شده و هنوز به آن استناد می‌شود. جهت اطلاع شما بگوییم که رهبری معظم انقلاب هم یک بار دستور بررسی ریشه‌ای این قانون را صادر کردند. آنچه در آن مصاحبه از ایشان پرسیدند و ایشان جواب دادند، حقوق زنان در جامعه اسلامی بود و نه برابری دیه زن و مرد. حتی سخنی از سب نبی نبود. کدام مسلمان می‌تواند سب نبی را ببخشد؟ مگر می‌توان با احکام مسلم اسلامی برخوردهای روزمره داشت؟ طلبه‌های عزیز! کمی حوصله به خرج دهید تا نگاه اسلام و انقلاب اسلامی به زنان را از زاویه قرآن، قانون اساسی و امام خمینی(ره) بررسی کنیم. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی درباره جایگاه زن در اسلام در یکی از مصاحبه‌ها گفت: «اگر بخواهیم درباره تساوی زن و مرد به مطالب کسانی که تفسیر قرآن را به عهده گرفتند و توضیحاتی که در روایات نقل شده، بپردازیم، فکر می‌کنم، باید در قرآن به تساوی زن و مرد از ابعاد مورد نظر بحث‌های اجتماعی و کلامی بپردازیم و قبول کنیم که هر دو، انسان کامل و دارای حقوق مساوی هستند و در برخی احکام ویژه به خاطر شرایط اجتماعی که در خانواده و جامعه هست و ناظر به امکاناتی است که در وجودشان برای پذیرش تکلیف و انجام وظیفه هست، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. قرآن وقتی به تاریخ هم نگاه می‌کند، انسانهایی را به عنوان قله‌های فضیلت مطرح می‌کند. اکثر آنها از طبقه مردان هستند، ولی از طبقه زنان هم مثل حضرت مریم، همسر فرعون و شخصیت‌های دیگر مطرح می‌شوند که از لحاظ انسانی، قرب به خدا و فضایل انسانی موقعیت بسیار بالایی برایشان قائل است. فکر می‌کنم قرآن زن و مرد را دو بخش تکمیل کننده جامعه بشری تلقی می‌کند. ممکن است گاهی فکر کنیم که نقش مرد در جامعه بیشتر است. در مجموع چنین برداشتی از قرآن می‌شود. در ابعادی به تربیت و رشد انسانها و بالاخره موقعیت مادری برمی‌گردد که در آنجا هم نقش ویژه‌ای به زن می‌دهد. در قرآن هم متعادل عمل شده است. آیه «و لهنّ مثل الّذی علیهنّ» (سوره بقره، آیه ۲۲۸) تعبیر قابل توجهی است. اگر این مفهوم را به عنوان یک اصل قطعی و مسلم بگیریم، آن وقت باید بگوییم احکامی که در اسلام هست، باید از این نوع و بین آنها توازن باشد. یعنی به اندازه آنچه که انسان احساس می‌کند برای مردها امتیاز قائل شده، در مقابل برای خانم‌ها هم امتیاز قائل شد. اگر بتوانیم استثنایی در این جمله پیدا بکنیم آن وقت باید جمله و این آیه را تخصیص کنیم. البته آیه در دنباله خود تخصیص دارد: «و للرجال علیهن درجه» یعنی ضمن اینکه اینها حقوق مساوی دارند، در یک سری مسائل، موقعیت مردها، روشنتر و فائق به نظر می‌آید. باید جایی هم باشد که نقش بانوان فائق به نظر بیاید، والا این جمله، جمله قبلی را نفی می‌کند. در قرآن می‌توانیم واقعاً مفهوم عدالت و اعتدال را بفهمیم، نه از آن بعدی که بخواهیم در همه چیزها یکی باشند. این تساوی در هیچ بخشی از اجتماع نیست. در بخش‌های مختلف مردها هم این تساوی نیست. تفاوت‌هایی به وجود می‌آید. تردیدی نیست که از بعضی جهات جسمی و روانی، ساختار وجود زن و مرد تفاوت دارد. ولی این تفاوت می‌تواند برای هر طرف امتیازی باشد و براساس آن در تقسیم کار باید هر بخش در پذیرفتن مسئولیت ویژگی داشته باشد که دارند. در مورد تفاوت زن و مرد از قدیم، فرهنگی میان بشر بوده و کم‌کم تلطیف شد. زمانی اصلاً زن را انسان نمی‌دانستند، زمانی هم انسان ناقص می‌دانستند. بعدها که شرایط بهتری هم پیش آمده، زن بودن افتخار نبود و مرد بودن افتخار بوده است. خیلی اشکالات در جامعه بود. اسلام توانسته مقداری این فرهنگ را اصلاح کند، ولی می‌بینیم حتی در محیط اسلامی این فرهنگ پاک نشده و رسوباتش همچنان وجود دارد. آیات دیگر هم نشان می‌دهد که زن و مرد، هر چیزی که دارند، مال خودشان است: «مَن عمل صالحاً مِن ذکر و انثی». البته یک واقعیت تاریخی هم وجود دارد که محدودیتهایی را به جامعه ما تحمیل می‌کند. یکی از آنها این است که زنان جامعه سابقه نیرومند حضور در امور اجتماعی و مدیریتی را ندارند و باید مدتی به تدریج حضور عملی در کارها و مدیریت‌ها داشته باشند تا رسوبات ذهنی را پاک کنند و صلاحیت خودشان را ثابت نمایند. واقعیت دیگر این است که مطالعه جامع روانشناسی و جامعه‌شناسی روی تفاوت‌های واقعی زنان و مردان به منظور شناخت صلاحیت و متناسب با کارها انجام نشده و باید این بررسی‌های عملی انجام شود. «مطمئنیم شما طلبه‌های منتقد، به قانون اساسی پایبند هستید. حال با هم به جایگاه زن در این قانون می‌پردازیم: بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی، یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران را چنین مقرر می‌دارد: «تامین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون. طبق این بند از اصل سوم قانون اساسی، تفاوتی بین زن و مرد در جهت تامین حقوق همه‌جانبه آنها وجود ندارد و دولت موظف است حقوق همه‌جانبه زنان را ن